



پانزدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

بررسی و شناخت عوامل موثر بر حفظ و ارتقا تعلق مکانی در سیما و منظر شهری (مطالعه موردی: ده ونک تهران)

یگانه عبدالهی^۱، رضا محبی^۲

۱- کارشناس ارشد معماری، دانشگاه غیاث الدین جمشید کاشانی، قزوین، ایران

۲- استادیار گروه معماری و شهرسازی، دانشکده عمران و مکانیک - دانشگاه غیاث الدین جمشید
کاشانی، قزوین، ایران

abdollahiyegane@yahoo.com

چکیده

امروزه فضاهای عمومی شهری به عنوان بستری اجتماعی مورد استفاده عموم قرار میگیرد. در این فضاهای شهری تعریف مشخص و معینی برای ارتقا و حفظ عوامل موثر بر حس تعلق مکانی در سیما و منظر شهری بیان نشده است. در صورتی که توجه معماران و طراحان به نحوه طراحی فضای شهری و ارتقا عناصر کالبدی منظر شهری حس تعلق مکانی را تقویت میکند. در این مقاله با استفاده از تحقیق توصیفی و تحلیلی و با به کار بردن شیوه ی گردآوری اطلاعات به صورت میدانی و کتابخانه ای سعی بر آن شده تا عوامل موثر بر حس تعلق مکانی در جهت حفظ و ارتقا آن بررسی شود. هدف کلی این پژوهش بررسی عوامل تاثیر گذار بر حس تعلق مکانی و میزان تاثیرگذاری عوامل دل بستگی مکانی، عملکردی، موقعیت دسترسی، هویت شهری بر حفظ و ارتقا حس تعلق مکانی در سیما و منظر شهری می باشد.

کلیدواژه: حس تعلق- تعلق مکانی- سیما و منظر شهری- ده ونک

مقدمه:

امروزه به ترکیب شکل در بستر زمان و مکان به عنوان اصل تداوم و پیوستگی به ویژه در منظر شهری به واسطه ی ایجاد تعلق به مکان در میان شهروندان اهمیت ویژه داده میشود. این امر نشان دهنده ارتباط تنگاتنگ و مداوم بین انسان و محیط شهری پیرامون است. کیفیت کالبد شهر نقش تعیین کننده ای در سرنوشت و منظر مطلوب در زیبایی شهر و رضایت شهروندان تاثیر دارد (دویران و کریمی نژاد، ۱۳۹۳).

حس تعلق به مکان یعنی پیوندی محکم و عاملی تاثیر گذار میان مردم و مکان است که با گذر زمان عمق تعامل، فرد با مکان بیشتر میشود. یکی از عوامل مهم در حفظ و ارتقا در منظر شهری، حس تعلق به مکان است. در همین راستا تعلق مکانی تا حدود زیادی با هویت مکانی ارتباط



پانزدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

تنگاتنگی دارد. در شکل گیری هویت مکانی دو مرحله وجود دارد: در مرحله ی نخست فرد، محیط را شناسایی نموده که به آن هویت مکانی میگویند و در مرحله دوم پیوند روانی صورت میگیرد و به شکل هویت مکانی تداوم می یابد (حبیبی و همکاران، ۱۳۹۷). عواملی هم چون کالبد، کارکرد، ادراک، تجربه از مهم ترین عناصر تشکیل دهنده حس تعلق به مکان است. هدف از این پژوهش بررسی عوامل موثر بر حفظ و ارتقا حس تعلق مکانی در سیما و منظر شهری است و از طرفی رسیدن به این مفهوم که چه ارتباطی بین حفظ و ارتقا حس تعلق مکانی با سیما و منظر شهری می باشد تأثیری بر حفظ و ارتقای منظر شهری دارد. با توجه به این اهداف سوالات تحقیق عبارتند از:

- مولفه های موثر بر حفظ و ارتقا مکانی چیست؟
- سیما و منظر شهری دارای چه مولفه هایی است؟
- چه ارتباطی بین ارتقا تعلق مکانی و سیمای منظر شهری است؟

بنابراین، در این مطالعه نخست به مفهوم حس تعلق به مکان و سیمای منظر شهری و سپس به عوامل موثر در جهت حفظ و ارتقا حس تعلق به مکان در منظر شهری پرداخته شده است و با ایجاد ی فضا و مکان خاطره انگیز میتوان حس تعلق مکانی را تقویت نمود. در ادامه به بیان بستر نمونه موردی (ده ونک تهران) پرداخته ایم که چه عوامل و عناصری در جهت ارتقا و حفظ حس تعلق به مکان در سیما و منظر شهری که از دیدگاه استفاده کنندگان در فضا موثر می باشد، بررسی گردیده است.

پیشینه تحقیق:

مکان یکی از مفاهیمی است که در علوم و رشته های گوناگون و با قرائت های مختلف به کار برده می شود. "مکان بخشی از فضا است که به وسیله ی شخص یا چیزی اشغال شده و دارای بار معنایی و ارزشی است. اگر فضا امکان وقوع حرکت را می دهد، مکان درنگی پدید می آورد. هویت یک مکان، امیزه های خاص از روابط اجتماعی است و بدین خاطر همواره بدون ثبات، مجادله ای و چندگانه میشود" (شعله، ۱۳۸۵: ۱۹).

مکان، مرکز عمل آگاهانه و ارادی انسانها است. مرکزی است که در آن از رویدادهای مختلف تجربه میآموزیم. رویدادها و عملکردهای آگاهانه، تنها در ساخت مکانهای معین پر اهمیت جلوه میکنند. علت افتراق مکانها، تمرکز ارزشها، دیدگاهها، هدفها و تجربههای مختلف در آنها است. از این رو مکانها، عوامل اصلی در سامانمندی تجربیات و قضاوتهای ما از جهان میباشند (شکویی، ۱۳۸۳: ۲۷۵).

نظریه پرداز شهری کوین لینچ بر این باور است حس مکان با هویت در ارتباط می باشد و بیان می کند که حس مکان گستره ی است که شخص می تواند یک مکان را به مثابه ی یک هستی متمایز از مکان های دیگر تشخیص دهد و به یاد آورد (www.broward.org).



پانزدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

از نظر یانزو حس مکان از میراث فرهنگی نواحی حفاظت می کند و آگاهی های فرهنگی و روابط خویشاوندی را ارتقا می دهد (www.eslarp.uiue.edu).

به علت گستردگی و پیچیده بودن حس تعلق به مکان، هرکدام از پژوهشگران در شناسایی عوامل موثر بر حس تعلق به مکان و بعد اجتماعی فردی را مورد بررسی قرار داده و عوامل موثر در جهت حفظ و ارتقای حس تعلق مکانی درسیما و منظر شهری مورد بررسی قرار داده نشده است. در این راستا می خواهیم در مقاله پیش رو عوامل موثر بر حفظ و ارتقا حس تعلق مکانی در منطقه ده ونک تهران را مورد بررسی قرار دهیم.

مبانی نظری پژوهش :

جدول شماره ۱: عوامل محیطی و کالبدی حس تعلق مکان از دیدگاه صاحب نظران

پانزدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

نظریات نتایج پژوهش	پژوهشگر/نظریه پرداز
که یک مکان موقعی فراتر از یک فضا است که دارای ۳ خصوصیت محدوده کالبدی، فعالیت و معنا باشد در این میان، معنا را جزء اصلی این گروه می داند.	ادوارد رلف (۱۹۹۴)
برای حس مکان از اصطلاح (مکان دوستی) استفاده می کند و آنرا پیوندی پر محبت و تاثیر گذار میان مردم و مکان ها می داند که قادر است زیباشناختی عاطفی را ایجاد نماید.	توان (۱۹۷۴)
حس تعلق در محیط را بیشتر تجربه شناختی دانسته و اعتقاد دارد که این هنر عقاید فرهنگی متخصص کننده افراد با محیط را شامل می شود و خصوصیات این محیط را در سه عامل: مقیاس اختصاصی بودن و قابل دسترس بودن بیان می نماید.	آلتمن (۱۹۹۲)
حس مکان، تجربه همان چیزهایی است که انسان به مکان داده اند. به اعتقاد او، مجموعه عواملی که حس مکان را به وجود می آورند، به دو دسته کلی تقسیم می شوند: عوامل شناختی-ادراکی و عوامل کالبدی	استیل (۱۹۸۱)
مکان مفهومی است که در رشته های گوناگون با معانی مختلف بکار می رود. مکان بخشی از فضا است که به وسیله شخص با چیزی اشغال شده و دارای بار معنایی و ارزشی است.	شعله (۱۳۸۵)
از نگاه ایشان، تجربه مهمترین عامل فهم محیط است پس درک یک مکان ارتباط مستقیمی با نحوه ادراک انسان دارد و هرچه این ارتباط طولانی تر شود، شناخت و تعلق انسان ها افزایش می یابد.	هیدالگو و هرناندز (۲۰۰۰)
سه عامل انسانی ادراک، احساس و شناخت در این دانش دارای اهمیت است. ادراک که بخشی از جوهره انسان است، احساس بخشی از عکس العمل فطری انسان نسبت به محیط و شناخت روشی برای ذخیره و بازخوانی اطلاعات ترک شده از محیط می باشد.	گینورد (۲۰۰۲)
این حس عامل مهم در شکل گیری پایه های ارتباطی کاربران و محیط و همچنین یکی از معانی مهم در ارتقاء کیفیت محیط های انسانی است که نهایتا منجر به ایجاد محیط های با کیفیت نیز خواهد شد.	فروغی (۱۳۹۰)
در واقع این امر براساس تعامل شناختی، عاطفی و رفتاری بین افراد گروه ها و مکان کالبدی-اجتماعی بصورتی آگاهانه و یا ناآگاهانه و در طول زمان شکل میگیرد.	رلی (۱۹۹۲)

ماخذ نگارندگان

هویت: از میان نظریه های موجود در زمینه شکل گیری شخصیت و هویت فردی دیدگاه اندیشمندانی چون آدلر، هورنای، مورفی قابل قبول تر است. بر طبق دیدگاه این اندیشمندان هویت



پانزدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

فردی در کنش متقابل فرد با دیگران در محیط زندگی در جریان رشد روانی کودک شکل میگیرد. در واقع در شکل گیری هویت فرد، علاوه بر ویژگی های فردی انسان ویژگی های اجتماع و محیط زندگی او نیز دخیل هستند. اگر چه همانطور که یونگ میگوید خود نقطه مرکزی شخصیت است که همه سیستم های دیگر شخصیت چون اقمار گرد آن میگردند و این خود است که شخصیت را به وحدت تعادل و ثبات می رساند. محیط مناسب قادر است در پاسخ به مجموعه ای از نیاز های زیست شناختی انسان، زمینه ای مناسب برای رشد شایستگی های افراد به وجود آورد (چنگیزی و همکاران، ۱۳۹۲).

حس تعلق به مکان: واژه تعلق به معنای پیوستگی، محبت، دلبستگی، قربابت، خویشی، انتساب و عهده و تصرف و نهایتاً تعلق خاطر و دلبستگی آمده است (دهخدا، ۱۳۸۵). در فرهنگ معین نیز توضیح واژه ی تعلق آمده است: آویخته شدن، در آویختن و دلبستگی داشتن است (معین، ۱۳۸۴). از نظر سیتالو تعلق مکانی از جنبه های روان شناختی و هویتی تفسیر پذیر است. در روانشناسی تعلق مکانی به رابطه شناختی فرد با محیط یا فضای خاص اطلاق میشود و از نظر هویتی، تعلق مکانی رابطه تعلق و هویت فرد به محیط اجتماعی است که در آن زندگی میکند (محمد صادق فلاح، ۱۳۸۵). تعلق به مکان که بر پایه ی حس مکان به وجود می آید فرا تر از آگاهی از استقرار در یک مکان است و بر اساس تجربه های خود از نشانه ها، معانی، عملکرد و شخصیت نقشی برای مکان در ذهن خود متصور میسازد و مکان برای او قابل احترام میشود (Steele, 1981).

از نگاه پدیدار شناسان، حس مکان به معنای مرتبط شدن با مکان به واسطه ی درک نماد ها و فعالیت های روز مره است. این حس در مکان زندگی فردی به وجود می آید و با گذر زمان گسترش می یابد (Relp, 1976). ارزش های فردی و جمعی بر چگونگی حس مکان تاثیر میگذارد و حس مکان بر ارزش ها و نگرش ها به ویژه رفتار های فردی و اجتماعی تاثیر می گذارد (Canter, 1971). حس مکان نه تنها باعث هماهنگی و ارتباط فضا با انسان میشود بلکه به امنیت و ادراک عاطفی افراد و به هویت مندی و احساس تعلق نیز کمک مینماید.

عوامل متعددی بر حفظ و ارتقا حس تعلق به مکان موثر است مانند: عوامل کالبدی، عوامل اجتماعی: عوامل فرهنگی، خاطرات و تجارب، احساس رضایت از مکان، عوامل زمان و مشارکت در طراحی مکان (دانشپور و همکاران، ۱۳۸۸).

رابطه ی هویت با حس تعلق مکانی :

فضا، زمانی برای ما دارای هویت است که از طرفی بتوانیم آن را موجودی مستقل و عینی تلقی نماییم و از طرف دیگر خود نیز به عنوان موجود عینی در آن فعالیت و رفتار نموده و بالاخره بتوانیم ذهنیات ناشی از ادراک آن را با ذهنیات خود تطبیق دهیم. هویت مکانی بخشی از زیرساخت هویت فردی انسان و حاصل شناخت های عمومی او درباره جهان فیزیکی است که انسان در آن زندگی میکند. این شناخت ها شامل خاطرات، ایده ها، احساسات، دیدگاه ها، ارزش ها، مفاهیم و ایده آل های رفتاری و تجربی انسان در رابطه با محیط های متنوع و پیچیده فیزیکی است که فضای تجربی



پانزدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

انسان اعم از ادراک و رفتار را به وجود می آورد. تعلق مکانی تا حدودی با هویت مکانی ارتباط تنگاتنگی نیز دارد. در شکل گیری هویت مکانی دو مرحله وجود دارد. در مرحله ی نخست فرد محیط را شناسایی میکند که هویت مکان نام دارد و در مرحله ی دوم فرایند پیوند روانی با مکان صورت میگیرد و به شکل هویت مکانی تداوم می یابد. ارزیابی مثبت از محیط و کیفیت شهر بر عمق شناسایی شخص از محیط و هویت مکانی او اثر میگذارد. توجه به هویت فضاها و مناطق شهری امروزه از اهمیت فراوانی در طراحی شهری برخوردار است. شناسایی میزان ادراک مردم از هویت محلات شهری و بررسی نظرات آنان در مورد ارزش هویت شهری می تواند در طراحی فضاهای شهری مورد استفاده قرار گیرد. از آنجایی که هویت محل غالباً زاینده خصوصیات فرهنگی، بومی، اقلیمی، تاریخی آن است و در طول زمان شکل میگیرد، تدریجاً معانی محیط و ارزش های زیبانشناسانه آن در اذهان نقش می بندد. چنانچه بعضی از عناصر محیط نقش مثبتی را در هویت بخشی دارا باشد به افزایش حس تعلق اهالی کمک می نماید. به این ترتیب هویت یک ناحیه ی شهری به مرور برای مردم ملموس خواهد شد و عناصر دخیل در شکل گیری آن قابل ردیابی خواهد بود. به عقیده الکساندر، هویت در محیط زمانی تجلی مینماید که ارتباط دقیق و منطقی بین فرد و محیط حاصل شود. وی معتقد است که بین فرد و محیط زندگی اش ارتباط و حس تعلق خاطر به وجود نخواهد آمد مگر آنکه قادر به شناخت عمیق محیط و تشخیص آن بوده و توان تمایز آن نسبت به محیط های دیگر نیز داشته باشد و بداند در چه زمانی و به چه صورتی پاسخ مناسب به کنش های انجام یافته در آن محیط بدهد (قرایی و همکاران، ۱۳۹۳).

فضای شهری : مفهوم فضای شهری با رجعت به نظرات کامیلوسیتته، گدس، مامفورد و سایر فرهنگ گرایان و طرفداران آمایش انسانی در شهر که در زنده نگه داشتن مفهوم و اثر فضای شهری خدمت بزرگی کرده بودند، متکی بر این استنباط است که فضای شهری جزئی از ساخت شهر است که از کلیت هماهنگ و پیوسته برخوردار بوده و از حیث فیزیکی دارای بدنه محصور کننده است (محمد تقی و همکاران، ۱۳۹۳). این فضا متشکل از سه بعد در هم تنیده کالبد (فرم)، عملکرد (فعالیت)، و ادراک (معنا) است (ماجدی و همکاران، ۱۳۹۰). خلق فضای شهری موثر، کارآمد و پویا که با نیاز های اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی، فیزیکی، اقتصادی مردم جامعه هماهنگ باشد، همواره دغدغه بسیاری از برنامه ریزان و طراحان شهری است. فضاهای شهری در حوزه اجتماعی، مکان هایی برای برقراری ارتباطات و مناسبات اجتماعی و رویارویی انسانی و مکانی است که افراد با علایق و خواست های متفاوت گرد هم می آیند. کیفیت یک فضا در شهر از برآیند مولفه هایی حاصل میشوند که با شناسایی کارکرد ها و تاثیرات هر یک از آن ها بر فضا می توان راهکارهایی برای بهبود فضاهای شهری ارائه داد (سرور و همکاران، ۱۳۹۰). بر این اساس، مولفه های کیفیت محیط را بر اساس پاسخ گویی به زمینه های عملکردی، کالبدی و ادراکی فضای شهری میتوان به شش معیار مطابق جدول (شماره ۲) به شرح زیر معرفی نمود:

پانزدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

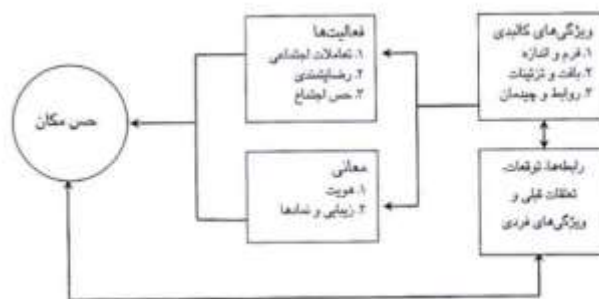
جدول (شماره ۲): معیارها و شاخص‌های مؤثر بر کیفیت محیط و فضاها شهری

مفهوم	زمینه	معیار	شاخص
فضای شهری	کالبدی	دارا بودن ساختار و فرم مناسب و انعطاف‌پذیر	ساختار مناسب و پایایی فرم فضا
			وجود عرصه عمومی و عناصر کالبدی و طبیعی در فضا
			قابلیت تغییرپذیری فضا برای استفاده‌های گوناگون
	عملکردی	وجود کاربری‌های مختلف و گوناگون	همبستگی نحوه اتصال فضای شهری
			کارایی و سازگاری کاربری‌ها
			تنوع در کاربری‌های اطراف فضاها
	کالبدی و ادراکی	وجود سرزندگی و جذابیت در فضا از لحاظ داشتن هویت، تناسبات بصری و حس تعلق	پاسخ‌گویی فضا به گروه‌های مختلف اجتماعی
			تعامل بین مجتمع تجاری با دیگر مراکز تجاری و اداری
			وجود کاربری‌ها و مراکز جاذب جمعیت
			ایجاد فضای چندوجهی با ترکیب ساختار و رنگ
			وجود نشانه‌ها و بناهای شاخص و با دارای احساس تعلق در فضاها و هویت‌بخش بودن فضا
			تنوع کالایی موجود
			تناسب ابعاد و اندازه عناصر متنوع فضا نسبت به محیط
عملکردی و کالبدی	تأمین ایمنی و امنیت	انطباق با فرهنگ بومی منطقه	
		ایمنی و استحکام عمومی فضا	
		امنیت اجتماعی	
			دسترسی آریتمیک ایمن به فضاها

مأخذ: (سرور و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۵۲)

چگونگی تاثیر عوامل کالبدی و محیطی بر حس تعلق مکان مولفه‌ها و شاخص‌های پیشنهادی

طبق مدل فلاح (۱۳۸۵) محیط کالبدی از طریق تاثیر گذاری بر فعالیت‌ها و ایجاد معانی خاص بر احساس و رفتار افراد تاثیر می‌گذارد و باتوجه به اینکه روابط متقابل اجتماعی افراد یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های انسانی در قرار گاه است، چگونگی فرایند ادراک نیز در ایجاد تصورات ذهنی و تعلق افراد نسبت به قرارگاه اهمیت دارد.



عوامل تشکیل دهنده حس تعلق به مکان



پانزدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

۱. عوامل ادراکی-شناختی فردی:

همانطور که اشاره شد حس تعلق ترکیبی پیچیده از معانی، نمادها و کیفیت های محیطی است که شخص یا گروه به صورت خودآگاه و ناخودآگاه از یک مکان خاص ادراک می کنند. این معنا که عمدتاً بر پایه ارتباط عاطفی فرد با محیط قرار دارد، در طراحی به صورت نمود کالبدی خود را نمایان می سازد. شناخت و ادراک فرد از یک مکان از شروط اولیه برای ایجاد حس تعلق به مکان می باشد. بدین منظور محیط های با خوانایی و تمایز کالبدی برای استفاده کنندگان جزء محیط های مطلوب بوده و ادراک و شناخت بهتری از سوی افراد در آن صورت میگیرد. عوامل کالبدی همچون مشخص نمودن حرایم، حدود مالکیت و همسایگی از مهمترین عوامل ادراک مناسب انسانی از محیط می باشد که فرد بر اساس شایستگیها و انگیزش های خود به کنکاش و تجربه از محیط می پردازد.

۲. عوامل اجتماعی:

به همان نسبت عوامل ادراکی-شناختی فردی در شکل گیری حس تعلق موثر است. نقش متغیرهای اجتماعی نظیر فرهنگ، نمادها و نشانه های اجتماعی نیز اهمیت زیادی دارد. به طوری که تا قبل از سال ۱۹۷۸ عمده تحقیقات صورت گرفته بر نقش عوامل اجتماعی به شکل گیری این حس پرداخته است و متغیرهای کالبدی جایگاهی در تحقیق نداشت. برخی حس تعلق را ناشی از روابط و تعاملات اجتماعی جاری در مکان دانسته اند و آن را عامل اصلی حس تعلق به محیط می دانند از نگاه این رویکرد برآیند عواملی از تعاملات اجتماعی که در محیط صورت می پذیرد موجب شکل گیری حس تعلق به مکان می شود. بر اساس این رویکرد محیط حاوی اطلاعات و نشانه های مشترک اجتماعی است که انسانها با درک و رمزگشایی آنها با محیط خود به تعامل می رسند (سیاوش پور و همکاران ۱۳۹۳).

محققانی همچون راپاپورت پروشانسکی و لارا کاس با پژوهش های خود بر نقش عوامل کالبدی ترکیب کردند، اما اشاره داشتند که آنچه محیط کالبدی را بستر تعامل اجتماعی بیان می کند در اصل نمادها و سمبل های محیطی مشترک اجتماعی از یک طرف و از طرف دیگر قابلیت محیطی در تامین و گسترش این بعد از نیازهای انسانی است (فروزنده و مطلبی ۱۳۹۰).

۳. عوامل محیطی-کالبدی:

این دسته از عوامل بر اساس نظریه مکان-رفتار در روانشناسی محیطی، به دسته بندی محیط به دو عامل مهم فعالیت و کالبد می پردازند. فعالیت های حاکم در یک محیط را براساس عوامل اجتماعی، کنش ها و تعاملات عمومی انسان ها تعریف می کنند و کالبد را به همراه متغیر های فرم و ساماندهی اجزاء و به عنوان مهمترین عوامل شکل گیری حس تعلق محیط ارزیابی می نماید. عناصر کالبدی از طریق ایجاد تمایز محیطی، ارتباط درون و بیرون در فضاها به ایجاد حس



پانزدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

تعلق می پردازند. شکل، اندازه، رنگ، بافت و مقیاس به عنوان ویژگی های فرم هریک نقش موثر در شکل گیری حس تعلق داشته و نوع سامان دهی و چیدمان اجزا کالبدی نیز عامل موثر دیگر می باشد.

از سوی دیگر عناصر کالبدی از طریق هم سازی و قابلیت تامین نیاز های انسان در مکان در ایجاد حس تعلق موثر می باشد. در طراحی، هر یک از متغیر های رنگ، شکل، بافت، مقیاس و نوع سامان دهی بر اساس نیاز های انسانی و تامین نوع فعالیت مورد نظر در فضاها از اهمیت خاص برخوردار میشوند که بیانگر قابلیت محیطی است که فرم عملکرد را شکوفا میکند (مطلبی، ۱۳۸۵).

روش تحقیق:

در این مقاله پیش رو، تحلیل و ارزیابی عناصر کالبدی و محیطی موثر در حس تعلق به مکان محدوده مطالعاتی (ده ونک تهران) با استفاده از بررسی اسناد مستدلی چون نقشه و عکس، سپس با استفاده از روش ثبت الگوهای رفتاری کاربران، مصاحبه و تهیه پرسشنامه انجام گرفته است. به دلیل نبود پرسشنامه استاندارد موضوع تحقیق، از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. اساس ارزشیابی در این پژوهش با استفاده از جامعه ی اماری مورگان، روشن سازی ریز معیارها بر اساس معیار های استخراج شده و چارچوب نظری پژوهش است. به دلیل وجود جوامع پنهان برای چنین جوامعی نمیتوان تعداد دقیقی را برآورد کرد. با نمونه گیری تصادفی و با استفاده از نقطه اشباع سر به سر اقدام به پرسشگری انجام شد. بر این اساس، ۳۸۴ پرسشنامه در اختیار استفاده کنندگان در منطقه ده ونک قرار گرفت.

شناخت محدوده و مطالعات میدانی

ده ونک محدوده مطالعاتی (تهران)

ده ونک یکی از محله های قدیمی شمیران واقع در منطقه سرسبز شمال تهران است. در دوره قاجار این ده و زمین ها و توستان های آن در زمان قاجار با نفوذ فراوانی که میرزا حسن خان مستوفی الممالک در حکومت قاجار داشته به تصرف خود در آورده. آرامگاه او نیز در مجموعه معروف به «باغ مستوفی» (محل فعلی دانشگاه الزهرا) در ده ونک قرار دارد.

امروزه، این منطقه از شمال به بزرگراه نیایش، از جنوب به بزرگراه همت و شهرک ولفجر قسمت شمالی محله امیرآباد از شرق به محله ونک و از سوی غرب به بزرگراه چمران و محله شهرک غرب و سعادت آباد محدود می شود. این محله از محله هایی است که هنوز حالت قدیمی خود را حفظ کرده است. به طوری که تمام خانه ها ویلایی است.

بوستان باغ ایرانی و مرقد امامزاده قاضی الصابر از نوادگان امام سجاد و گورستانی چند صد ساله در این محل واقع شده است. در قدیم ده ونک دارای درختان توت و گردو و همچنین زالزالک بوده است که به مرور زمان این درختان و باغات از بین رفته است. در ده ونک تعدادی قنات جاری بود که در

پانزدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

دهه ۷۰ شمسی به دلیل آنکه برای خانه‌ها مشکلاتی را به وجود می‌آورد و همچنین برای احداث فاضلاب، بسته یا کور شدند. از بخش‌های معروف و قدیمی ده ونک می‌توان به بازارچه، کوچه امامزاده، گل چمن (سر چمن)، زیر باغ نو، کوچه مسجد جامع، باغ بالا، میدون و سر پل نام برد. مردم اصیل این منطقه و تهران و بخصوص شمیرانات به تاتی صحبت میکنند.



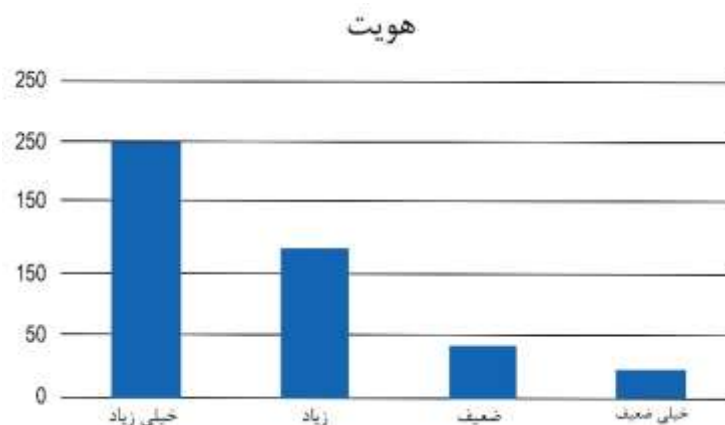
شکل ۱: محدوده منطقه ده ونک تهران

پس از جمع آوری داده‌ها، به منظور تحلیل آنها، اطلاعات حاصل به صورت جدول ارزش گذاری معیارها، اطلاعات آماری و نمودار ارزیابی شد. سپس، روابط بین متغیرها با استفاده از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن در نرم افزار SPSS تحلیل شد.

یافته های پژوهش و تجزیه و تحلیل:

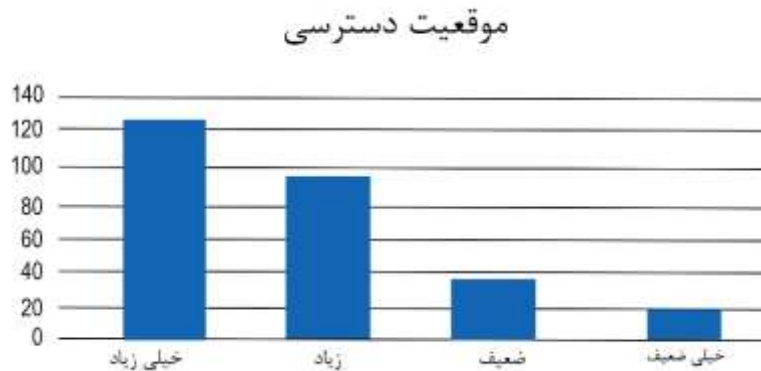
همان گونه که در روش و تحقیق اشاره شد، در این مقاله به منظور بررسی عوامل موثر در جهت ارتقا و حفظ عوامل موثر شهری در منطقه ده ونک از طریق پرسشنامه انجام شده است. شکل ۲ تا ۶ بیانگر نظرهای مردم در مورد هویت شهری، حس تعلق مکانی، عملکرد، موقعیت دسترسی است.

شکل ۲: میزان پاسخگویی میزان شرکت کنندگان در ارتباط با سیما و منظر شهری و حس تعلق مکانی

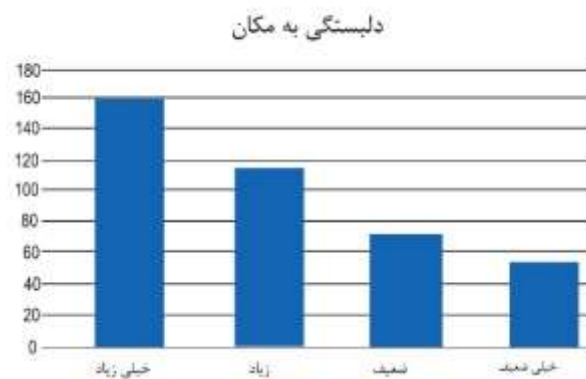


پانزدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

شکل ۳: میزان پاسخگویی شرکت کنندگان در ارتباط با موقعیت دسترسی و حس تعلق مکانی



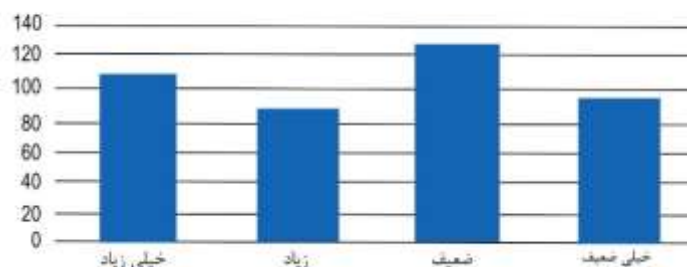
شکل ۴: میزان پاسخگویی شرکت کنندگان در ارتباط با دل بستگی با مکان و حس تعلق مکان



شکل ۵: میزان پاسخگویی شرکت کنندگان در ارتباط با عملکرد محیطی و حس تعلق مکانی

پانزدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

عملکرد



برای تعیین میزان ارتباط میان عوامل هویت، دلبستگی مکانی، عملکردی، دسترسی، با حس تعلق مکانی از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شد. این آزمون شدت ارتباط میان عوامل کیفی مشخص شده را با متغیرهای مورد نظر میسنجد. از آنجا که تمامی متغیرها با مقیاس رتبه ای اندازه گیری شده است، از شاخص ضری همبستگی اسپیرمن استفاده شد. اندازه این ضریب عددی بین ۱- و ۱+ است و هرچه این اندازه بزرگتر باشد، شدت ارتباط میان دو متغیر بیشتر است. نتایج این آزمون به همراه سطح معناداری آن در جدول ۳ تا ۶ آمده است.

جدول شماره ۳: نتیجه آزمون پیرسون جهت بررسی بین عوامل هویت و حس تعلق مکانی

متغیر	ویژگی های آماری	حس تعلق به مکان
هویت	همبستگی اسپیرمن	۰/۶۴۵
	سطح معناداری	۰/۰۲۰
	مجموع	۳۸۴

جدول شماره ۴: نتیجه آزمون پیرسون جهت بررسی بین عوامل موقعیت دسترسی و حس تعلق مکانی



پانزدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

متغیر	ویژگی های آماری	حس تعلق به مکان
موقعیت دسترسی	همبستگی اسپیرمن	۰/۲۳۲
	سطح معنا داری	۰/۰۵۰
	مجموع	۳۸۴

جدول شماره ۵: نتیجه آزمون پیرسون جهت بررسی بین عوامل عملکرد و حس تعلق مکانی

متغیر	ویژگی های آماری	حس تعلق به مکان
عملکردی	همبستگی اسپیرمن	۰/۵۳۵
	سطح معنا داری	۰/۱۷۲
	مجموع	۳۸۴

جدول شماره ۶: نتیجه آزمون پیرسون جهت بررسی بین عوامل دل بستگی با مکان و حس تعلق مکانی

متغیر	ویژگی های آماری	حس تعلق به مکان
دل بستگی مکانی	همبستگی اسپیرمن	۰/۷۴۶
	سطح معنا داری	۰/۲۵
	مجموع	۳۸۴



پانزدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

هرچه میزان همبستگی اسپیر من متغیر های دل بستگی مکانی، عملکردی، موقعیت دسترسی، هویت شهری با حس تعلق مکانی بیشتر باشد یعنی عوامل موثر، حس تعلق مکانی را تقویت مینماید.

نتیجه گیری و پیشنهادها:

حس تعلق به مکان به مفهوم حس مکان است که مردم با استفاده از ادراک ذهنی و احساسات خود ارتباط درونی با محیط برقرار می نمایند و باعث حس رضایتمندی در شهروندان می شود و باعث میشود حس تعلق به مکان تقویت گردد. عدم توجه برنامه ریزان، طراحان و برنامه ریزان به عناصر کالبدی شهری برای استفاده کنندگان مشکلاتی را به وجود می آورند و این در حالی است که به محدوده ده ونک به عنوان یکی از مهم ترین شلوغ ترین و پر تردد ترین منطقه به علت وجود دانشگاه الزهرا و باغ ایرانی و نزدیکی با مراکز خرید می باشد و بنابراین حس تعلق مکانی یکی از مهم ترین ارزش های ملی است که در جهت ارتقا و حفظ آن باید تلاش نمود.

همانطور که بیان شد هدف از این پژوهش، حفظ و ارتقا حس تعلق مکانی در سیما و منظر شهری (نمونه موردی ده ونک) است که با توجه به هدف پژوهش متغیر های زیر مورد بررسی قرار گرفته است: دل بستگی مکانی، عملکردی، موقعیت دسترسی، هویت شهری، از بین عوامل بررسی شده، سطح معناداری در جهت ارتقا و حفظ حس تعلق مکانی در سیما و منظر شهری وجود دارد.

برای رسیدن به اهداف مورد نظر، راهکار پیشنهادی در جدول شماره ۷ ذکر شده است.

دل بستگی مکانی: حفظ بافت قدیمی محل ده ونک در بافت مدرن و به علت قرار گرفتن در اقلیم گرم و خشک بهتر است از درختان و مسیر آب برای خنک کردن منطقه استفاده کنیم.

هویت شهری: استفاده از مصالح، بافت، رنگ، نور، برای قابل استفاده بودن کابرن است.

عملکردی: استفاده از مبلمان شهری، ایجاد فضای سبز برای مسیر حرکت کاربران در نظر گرفته شود.

موقعیت دسترسی: عریض کردن خیابان و کوچه برای دسترسی مناسب تعبیه گردد.



پانزدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

منابع

- آیت الهی، سید محمدحسین؛ رحمتیان، نادیه (۱۳۹۱). نقش عوامل کالبدی در شکل گیری دلبستگی به مکان، کنفرانس بین المللی عمرانی، معماری و توسعه پایدار شهری، تبریز.
- بتنلی، یان، آلن الکک، پال مورین، سو مک گلین و گراهام اسمیت (۱۳۸۹). محیط های پاسخده، مترجم مصطفی بهزادفر، انتشارات علم و صنعت .
- چنگیزی، نگار. احمدیان، رضا. (۱۳۹۲) بررسی شاخص های هویت فضای شهری در بافت تاریخی نمونه ماوردی: بازار کرمان ، نشریه مطالعات شاهر ایرانی اسالمی، شماره ۱۱، صص ۶۳-۵
- حبیبی داوود، حبیبی دیانا، کسالایی افسانه، گرجی پور فاطمه، توکلی مهرداد (۱۳۹۳)، تبیین حس تعلق به مکان و هویت در فضاهای شهری با تأکید بر بازارهای سنتی، ۹-۴:۴.
- دانشپور، سید عبدالهادی. (۱۳۸۳) درآمدی بر مفهوم و کارکرد هویت محیط انسان ساخت، نشریه باغ نظر، شماره ۱، ۶۳.
- دویران اسماعیل، کریمی نژاد ملیحه (۱۳۹۳). هویت و حس تعلق مکانی در فضاهای عمومی جدید الاحداث شهری، ۸۱-۹۲:۱۸.
- رضویان، محمدتقی. شمس پویا، محمدکاظم. مالتبارلهی، عبدالله (۱۳۹۳). کیفیت محیط کالبدی و حس مکان (مورد شناسی: دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی تهران)، نشریه جغرافیا و آمایش شهری-منطقه ای، شماره ۱۰.
- سرور، هوشنگ. کاشانی اصل، امیر. صالحی ساریخان بیگلو، وحید. افضلی گروه، زهرا (۱۳۹۶) سنجش بازار سرپوشیده به لحاظ برخورداری از مؤلفه های پویایی فضای شهری، نشریه پژوهش و برنامه ریزی شهری، دوره ۲، سال ۸، شماره ۳۰.
- سیاوشپور، بهرام، شادلوچهرمی، مجتبی و موثی رامشه، زهره (۱۳۹۳). ابعاد تشکیل دهنده حس تعلق به مکان، با تأکید بر عوامل کالبدی، اجتماعی و احساسی (ادراک و شناخت)، ششمین کنفرانس ملی برنامه ریزی و مدیریت شهری با تأکید بر مؤلفه های شهر اسالمی، آبان، مشهد.



پانزدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

شعله، م (۱۳۸۵)، دروازه‌های قدیم در خاطره جمعی شهر معاصر، ریشه یابی رشته‌های خاطرهای"، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۷ فروزنده، علی؛ مطلبی، قاسم (۱۳۹۰). مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل دهنده آن، هویت شهر، ۵: ۲۷-۳۷.

شکویی، ح (۱۳۸۵)، دروازه های قدیم در خاطره جمعی شهر معاصر، ریشه یابی رشته های خاطره ای"، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۷.

فلاح، محمدصادق (۱۳۸۵). مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده آن، نشریه هنرهای زیبا، ۲۶: ۵۷-۶۶. گلکار، کورش (۱۳۸۵). مفهوم منظر شهری، فصلنامه شهرسازی و معماری آبادی، ۱۶(۵۳)، زمستان.

قرایی، فریبا. آرام، فرشید. (۱۳۹۳). نقش بازارهای دوره ای در هویت بخشی به محالته/مراکز محله و افزایش ح تعلق ساکنین مطالعه موردی بازارهای روز شهر همدان، اولین کنگره بین المللی افق های جدید در معماری و شهرسازی، تهران.

لین ، کوین (۱۳۸۵). تئوری شکل خوب شهر، ترجمه سید حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

ماجدی، حمید. منصوری، الهام. حاجی احمدی، آذین (۱۳۹۰) تعریف فضای باز شهری (مطالعه موردی: محور ولیعصر تهران). نشریه مدیریت شهری، دوره ۹، شماره ۲۷.

Altman, I. & Low, Setha (ed.) (1992). Place Attachment, Plenum Press, New York. Canter, D. (1971). The Psychology of Place, Architectural Press, London. Cross, Jennifer E. (2001). What is Sense of Place, Research on Place & Space Website, 20 Feb. 12 Mar. 2003

Norberg-Schulz, Christian (1997). The Phenomenon of place, Princeton Architectural Press, New York. Relph, E. (1976). Place and Placelessness, Pion, London. Salvesen, David (2002), "The Making of Place"; Research on Place & Space Website, 20 Feb. 2003, 12 Mar. 2003,

Steele, Fritz (1981). The Sense of Place, CBI Publishing Company, Boston. Xu, Yan (1995), "Sense of Place and Identity", Research on Place & Space Website; 20 Feb. 2003; 12 Mar. 2003,